

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه اول ۹۳/۰۶/۲۳

(بیان کلیات)

جلسه دوم ۹۳/۰۶/۳۰

- توسعه مفهوم کمی است و باید شاخص سازی شود. بنابراین توسعه در ۵ حوزه تعریف می شود:

0 اجتماعی

0 سیاسی

0 فرهنگی

0 اقتصادی

0 تکنولوژیک

مفاهیم توسعه به هم پیوسته است. یعنی توسعه سیاسی با توسعه اجتماعی (مثل روزنامه ها) وابسته است و ...

- تکنولوژی: ابزاری که می شود با آن در ۴ حوزه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی توسعه پیدا کرد.

- ۸ نظریه توسعه و ۶ نظریه ارتباطات توسعه داریم.

0 مکاتب توسعه (۸ مکتب + بیانیه اهداف توسعه هزاره)

▪ مکتب نوسازی ۱۹۵۰ Modernization

▪ مکتب وابستگی ۱۹۶۰ Dependency

▪ مکاتب نظام جهانی ۱۹۷۰ The world systems

▪ مکتب توسعه انسانی Human development

▪ مکتب توسعه پایدار (همه جانبه) sustainable Development

▪ مکتب توسعه دیگر Another Development

▪ مکتب توسعه ملی National Development

▪ مکتب توسعه در جامعه اطلاعاتی Information Society Development

■ اهداف توسعه هزاره M.D.G

○ نظریه های ارتباطات توسعه (۸ نظریه)

■ نگرش علّیتی-علّی (علت و معلول)

■ نگرش سودگر (هزینه و فایده)

■ ساختگرا

■ الگوهای لیبرالی - سرمایه داری

■ الگوهای مارکسیستی

■ الگوهای وحدت گرا و رهایی بخش

● مکتب نوسازی: این مکتب توسعه را در صنعتی شدن تعریف می کند و معتقد است که هر توسعه ای از مسیر صنعتی می گذرد.

● روند زندگی بشری:

○ اولیه---برده داری---فتو دالیته---کشاورزی---پیشاصنعتی---صنعتی---پساصنعتی---

جامعه اطلاعاتی---جامعه دانش

● دیدگاه کمونیست ها برای دوران های بشر:

○ کمون اولیه---برده داری---فتو دالیته---سرمایه داری---سوسیالیسم کمون

● تا سال ۱۹۰۰ جمعیت شهری به روستایی یک هشتم بود. یعنی یک هشتم جمعیت زمین شهر نشین بودند. اما در سال ۱۹۹۹ این نسبت به نصف افزایش یافت. یعنی در پایان قرن بیستم نیمی از جمعیت زمین در شهرها زندگی می کردند.

● در طول تاریخ همزمان با گذار دوره ها، مردم از روستاها به شهرها کوچک کرده اند و شهر نشین شده اند.

● مدل های توسعه یا درون زا (بومی) هستند یا برون زا (وارداتی).

● توسعه مفهومی نسبی است.

❖ مکتب نوسازی Modernization

۰ الف- بستر تاریخی

۰ ب- بنیادهای تئوریک (پایه های نظری)

▪ نظریه تکامل گرایی

▪ نظریه کارگردگرایی

• ضرورت کارکردی

• تعامل خودمحور

۰ ج- رویکرد اقتصادی

▪ مراحل رشد اقتصادی روستو

۰ د- رویکرد سیاسی (کلمن- لوسین پای)

۰ ه- رویکرد جامعه شناختی (لوی)

۰ و- انتقادات وارده به مکتب نوسازی

الف- بستر تاریخی

۱- ظهور ایالات متحده به عنوان یک ابرقدرت: در دوران جنگ جهانی اول ابرقدرت جهان انگلیس بود اما آمریکا چون از جنگ دور بود توانست قدرت خود را افزایش دهد و در جنگ جهانی دوم به عنوان یک ابرقدرت ظهور کند. دلیل قدرت گرفتن آمریکا این بود که قدرت های وقت جهانی مانند عثمانی نیز از بین رفتند. طرح مارشال (Marshal Plan): کمک آمریکا برای نوسازی اروپای غربی که در قبال آن امتیازهای مختلف از جمله پایگاه های نظامی گرفت.

۲- گسترش جنبش جهانی کمونیسم: کنفرانس تهران با حضور روزولت- استالین و چرچیل برای تقسیم اروپا برگزار شد.

علاقه به کمونیسم در نقاطی از جهان زیاد شده بود. مثل آسیای شرقی و آمریکای لاتین (به خصوص این که نزدیک به آمریکا بود).

ایتالیا - ژاپن و آلمان نماد فاشیسم هستند. در مقابل فاشیسم ۲ ایدئولوژی مخالف یعنی سرمایه داری و کمونیسم با هم متحد شدند تا فاشیسم را از بین ببرند اما بعد رو به روی هم ایستادند. (شهید مطهری می گوید: سرمایه داری و گکمونیسم دو لبه یک قیچی اند).

۳- تجزیه امپراتوری های استعماری اروپایی در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین: این اتفاق باعث ظهور شمار قابل توجهی از کشورهای جهان سوم می شود که استقلال پیدا کرده و از یوغ استعمار اروپا نجات پیدا می کنند. (حدود ۷۰ کشور). این کشورها در فرآیند به استقلال رسیدن هر کدام به دنبال الگویی برای رشد و توسعه بودند.

* جمع بندی بستر تاریخی: در چنین زمینه های تاریخی برای ایالات متحده فرصت مناسبی به وجود آمد تا با معفری مکتب نوسازی البته با کمک اندیشمندان و دانشمندان علوم اجتماعی و علوم انسانی و نیز نخبگان سیاسی کشورهای جهان سوم، این کشورها را به رسیدن به توسعه ای از دیدگاه مکتب نوسازی ترغیب کند تا به ۲ هدف کلی برسد: ۱- کشورها دنبال روی این مکتب (غرب) باشند و ۲- به دامان کمونیسم نیفتند.

جلسه سوم ۹۳/۰۷/۰۶

مکاتب توسعه

۱-نوسازی Modernization

الف) بستر تاریخی

ب) بنیاد های نظری

۱- نظریه تکامل گرایی:

انقلاب صنعتی. انقلاب فرانسه. ویژگی های کلی نظریه تکامل گرایی.

۲- نظریه کارکرد گرایی:

تالکوت پارسونز تعادل خود محور: ضرورت کارکردی (AGIL):

الف- تطابق با محیط. ب: دستیابی به هدف. ج: یکپارچگی. د. حفظ الگوهای ارزشی

ج) رویکرد اقتصادی:

روستو

مراحل رشد اقتصادی:

جامعه سنتی ← شرایط مقدماتی برای خیز ← خیز ← حرکت به سمت بلوغ
← جامعه مصرف انبوه

ب- بنیان های نظری:

❖ نظریه تکامل گرایی: تکامل اجتناب ناپذیر است. یک طرفه است. جامعه انسانی به سوی کامل

شدن می رود که در این روند کامل شدن یکی از مراحل صنعتی شدن است.

* این نظریه محصول برخی اندیشمندان قرن ۱۹ است.

* از مهم ترین نتایج این نظریه انقلاب صنعتی و انقلاب فرانسه است.

* این نظریه گوید بشر در یک برهه باید انقلاب صنعتی می کرد.

* بهره‌وری از ویژگی‌ها و ثمرات انقلاب صنعتی است. یعنی از نیروی انسانی ثابت یا کمتر، تولید بیشتر می‌گیریم.

* کاربرد علم در تولید نیز از ثمرات انقلاب صنعتی است.

* انقلاب صنعتی در انگلستان شروع شد.

* پیدایش نظام تولید انبوه از ویژگی‌های دیگر انقلاب صنعتی است.

• ویژگی انقلاب صنعتی

۱- کاربرد علم و تکنولوژی

۲- افزایش بهره‌وری

۳- پیدایش نظام جدید تولید کارخانه‌ای که تولید انبوه را در راس برنامه‌های خود دارد.

• انقلاب فرانسه (۱۷۸۹)

* در زمانی رخ داد که اکثر کشورهای دنیا حکومت‌های پادشاهی است که به فکر توسعه نبودند.

* نان ندارند چرا کیک نمی‌خورند؟

* در این انقلاب، مبارزه ضد استبداد شکل گرفت.

* انقلاب فرانسه ضد دیکتاتوری است اما انقلاب آمریکا ضد استعماری است.

• نتایج انقلاب فرانسه:

حکومت جمهوری با نظام پارلمانی شکل می‌گیرد.

در انقلاب فرانسه هنوز انقلاب آمریکا کامل نشده بود.

در حقیقت انقلاب آمریکا از جنبش‌های ملی شدن صنعت نفت در ایران است.

انقلاب اسلامی نظام برابری و برادری بود.

انقلاب فرانسه از مسیر خود عوض شد اما نظام نوینی را در سایر کشورها ایجاد کرد.

• انقلاب فرانسه به طور کلی: (جمع‌بندی)

نظم سیاسی جدید بر اساس برابری و آزادی شکل گرفت.

مفهوم لیبرالیسم (آزادی انتخاب) ظهور کرد که بلافاصله به آزادی اقتصادی و از آن به سرمایه‌داری پیوند خورد.

نکته بعدی شکل‌گیری نظام پارلمانی است.

• تفاوت لیبرالیسم اروپایی و آمریکا:

اروپایی‌ها می‌گویند گاهی دولت باید در روند لیبرالیسم به نفع مردم دخالت کند اما در غرب می‌گویند نباید دخالت کرد.

* از انقلاب پارلمانی انقلاب فرانسه در ایران برای قانون‌گذاری استفاده شد.

• ویژگی های کلی نظریه تکامل:

حرکت یک طرفه است.

غیر قابل اجتناب است (هر دوره پس از دوره قبل ایجاد می شود و نمی شود از آن فرار کرد).

(مرحله به مرحله است)

تغییر اجتماعی فرآیندی یک سویه است و جامعه انسانی به طور اجتناب ناپذیری در راستای یک جهت از

مرحله بدوی به مرحله ای پیشرفته سیر می کند.

تغییر اجتماعی: مهم ترین تغییر اجتماعی شهر نشینی شدن است. جایگاه زنان.

اجتناب ناپذیر: جبر تکنولوژی یک (ماجرر رسانه ای هم داریم).

❖ نظریه کارکردگرایی:

پارسونز: بیولوژیست بوده است.

پارسونز می گوید: جامعه انسانی مشابه اعضای بدن است و نظم دارد.

به عقیده او در بدن موجود زنده تعادل وجود دارد.

این تعادل خود محور (اتوماتیک) است.

• ضرورت نظریه کارکردگرایی:

بنابراین اگر جامعه ای بخواهد زنده بماند و پیشرفت کند باید ۴ کار انجام دهد:

۱- **تطابق با محیط:** (وظیفه اقتصادی است) مثلاً با تولید و ارزش افزوده می توان با محیط تطابق پیدا کرد.

۲- **دستیابی به هدف:** برای رسیدن به هدف دولت باید اقداماتی انجام دهد تا دست یابی به هدف میسر شود.

۳- **یکپارچگی:** توسعه که انجام می شود باید نوعی یک دستگی باشد و اگر نباشد جامعه متلاشی می شود. به عقیده پارسونز: پیوند نهادهای جامعه به وسیله نهادهای حقوقی و مذهبی ایجاد می شود و با محیط تطبیق پیدا می کند.

۴- **حفظ الگوهای ارزشی:** الگوهای ارزشی با نظام آموزش و پرورش و خانواده که از انسان به سل دیگر

منتقل می شود.

پارسونز معتقد است اگر در جامعه ای بخواهد زنده بماند باید ۴ کار انجام بدهد.

جلسه چهارم ۹۳/۷/۲۷ (دو هفته قبل ۱۳ و ۲۰ مهر تعطیل بود)

ادامه مکتب نویسی

رویکرد اقتصادی: مراحل ۵ گانه رشد اقتصادی رستو.

جامعه سنتی ← شرایط مقدماتی خیز ← خیز ← حرکت به سمت بلوغ (در حال صنعتی شدن) ← جامعه

مصرف انبوه

*** رویکرد سیاسی کلمن**

* انتقادهای وارده به مکتب نوسازی

* قواعد نوسازی سیاسی

الف- انفکاک ساختار سیاسی

ب- لائیک شدن فرهنگ سیاسی (همراه با ویژگی برابر)

ج- افزایش قابلیت نظام سیاسی جامعه که باعث (۷ مورد):

* بعد فرهنگی توسعه مهم است. در ترکیه هم زبان نوشتاری تغییر کرده و هم فرهنگ از سیاست جدا شده.

* ۷ مورد:

۱- میزان اشتراک سیاسی افزایش یابد.

۲- میزان کارآمدی اجرای تصمیمات سیاسی افزایش یابد.

۳- قدرت نفوذ نهادهای حکومتی ارتقا یابد (تقویت بروکراسی)

۴- گستردگی مجمع منافع کانون های حزبی

۵- نهادینه شدن سازماندهی و رویه سیاسی

۶- قابلیت جذب و تحلیل تشکیلات و تقاضاهای جدید سیاسی

۷- قابلیت حل و فصل مشکلات و مسائل جامعه

* انتقادهای وارده به مکتب نوسازی

۱- نگاه تک بعدی: توسعه تک خطی یعنی اگر همه فاکتورها رعایت شود روی خط مکتب هستیم و به سمت مقصد حرکت شود.

۲- توجه به توسعه تک خطی از راه های جایگزین.

- برنامه های توسعه باید واقع بینانه باشد و نظارت بر آن وجود داشته باشد.

۳- خوشبینی: خیلی خوشبینانه است که تصور کنیم اگر فرمول ارائه شده را برویم به مقصد نهایی می رسیم.

۴- کنار گذاشتن ارزش ملی.

۵- غفلت از سلطه خارجی (بعد از جنگ جهانی دوم ۷۳ کشور به بانک جهانی بدهکار شده اند و نتوانستند بدهی

خود را پس دهند. صنعتی شدن نیاز به ارز دارد، ارز به صورت وام است و در نتیجه به بدهکاری می رسد)

۶- ارائه شدن تصویر آرمانی از جامعه غربی

۷- ارائه استدلال مبنی برای اینکه جهان سوم برای رسیدن به توسعه باید از برخی ارزش ها خلاص شود.

جلسه پنجم ۹۳/۸/۴

مکتب وابستگی ۱۹۶۰ Dependency

- این مکتب بیش از آن که راه حل توسعه را بدهد از وابستگی به غرب انتقاد می کند.

- توسعه توسعه مرکز → ← توسعه عدم توسعه حاشیه (پیرامون)

- زمینه تاریخی (۵ مورد) شکست طرح ECLA (کمیسیون اقتصادی برای آمریکای لاتین)
- میراث فکری (بنیان های نظری): - الف تئومار کسیم ب- اندره گوندرفرانک، ج- دوس سانتوس

* تئومار کسیم:

۱- مبادله نا برابر ۲- روابط استعماری مرکز پیرامون ۳- روابط نا برابر بازارهای جهانی

- ایراده های وارده به مکتب وابستگی

* توسعه عدم توسعه — توسعه نیافتگی

* زمینه های تاریخی :

۱- اعتراض به جنگ ویتنام

- اگر دفاع بلوک شرق در مقابل غرب نبود زمینه های شکل گیری مکتب وابستگی فراهم نمی شد.
- اثرات جنگ ویتنام
- ۱- شکست آمریکا در معرض افکار عمومی
- ۲- شکست نظامی آمریکا در ویتنام
- ۳- شکست ایدولوژیک
- ۴- در این جنگ تلویزیون تبدیل به رسانه خبری شد (News Media) تا قبل از آن رسانه جمعی (Mass media) بود.

* جنگ ویتنام به مکتب نوسازی ضربه زد و در کنار آن پایه های مارکسیسم را پایدار کرد.

۲. در این برهه جنبش های در دانشجویی علیه نظام سلطه امیر یالستی آغاز شد

۳. جنبش های مردمی در منطقه های فقیر نشین

۴ - قطع امید کردن اندیشمندان و نخبگان جهان سوم از مکتب نوسازی

۵ - شکست طرح ECLA (Economic Commission Latina America)

- اکلا: آمریکایی ها برای توسعه کشور های آمریکای لاتین صندوقی را اجرایی کردند که ۲ هدف داشت ۱- وابستگی بیشتر آمریکای لاتین - ۲- تضعیف کمونیسم .
- * اکلا در ادامه طرح نوسازی است.

- این طرح ابتدا با استقبال مواجه شد. اما در ادامه آمریکایی ها توازن اقتصادی را به ضرر کشور های آمریکای لاتین تغییر دادند به این ترتیب این کشور ها عملاً زیر پرداخت بدهی ها ماندند و بر شکست شدند.

* بنیان های نظری

الف: تئومار کسیم ها

- کمونیست ها معتقد به ۵ مرحله زندگی بشر هستند.

کمون اولیه — برده داری — فئودالیت — سرمایه داری — سوسیالیسم

کمونیست ها می گویند در تمدن اولیه و نیز سوسیالیسم واقعی چون ثروت به طور مساوی بین همه توزیع شده است

تضاد وجود ندارد.

آن ها معتقدند که سوسیالیسم واقعی زمانی است که کمونیسم فراگیر شود.

* آن ها برای دوره ی سرمایه داری ۲ بخش در نظر می گیرند:

۱- طبقه کارگر (پرولیکار)

۲- سرمایه داری (بورژوازی)

و معتقدند که در نهایت طبقه کارگر بر بورژوازی غلبه می کند.

* در ادامه نئو مارکسیسم ها با استناد به انقلاب چین در ۱۹۴۶ و قبل انقلاب کوبا ۱۹۵۰ که بدون اتکا به سرمایه

داری و طبقه کارگر معتقد بودند که جهان وارد سوسیالیسی شده است. کمون در مقابل شوروی ها به این معتقد

بودند که سرمایه داری رخ داده و بعد وارد سوسیالیسم شده اند.

در حقیقت تفاوت نئومارکسیسم ها و مارکسیسم ها همین تفاوت نگاه ورود به سوسیالیسم است.

* نئو مارکسیسم ها دست آوردهایی دارند:

۱- مبادله نابرابر (یعنی رابطه بین کشورهای مرکز پیرامون نابرابر است)

مارکسیست ها می گویند: صدور سرمایه مقدمه صدور کالا است.

۲- همیشه بین مرکز و پیرامون رابطه استعماری وجود دارد که به الگوی زیر میرسد و به نفع مرکز است.

توسعه توسعه مرکز → توسعه عدم توسعه پیرامون

۳- روابط نابرابر حاکم بر بازار های جهانی ← در این مبالغه تراز منفی تجاری همیشه برای جهان سوم

است. چون آن ها همیشه وارد کننده اند.

ب) گوندر فرانک

* او در دهه ۱۹۶۰ در آمریکای لاتین زندگی می کرد و واسطه تبدیل مکتب وابستگی بود.

۱- فرهنگ سنتی ۲- تراکم جمعیت ۳- سرمایه گذاری ناچیز ۴- فقدان انگیزه پیشرفت

تبیین برون گرایانه ≠ تبیین درون گرایانه

* گوندر فرانک اولین کسی است که تحلیلی برای عقب افتادگی کشورهای جهان سوم با روشی بر اساس تبیین

برون گرایانه ارائه می کند.

کشور های غربی معتقدند به ۴ دلیل: ۱- فرهنگ سنتی ۲- تراکم جمعیت ۳- سرمایه داری ناچیز ۴- فقدان انگیزه

پیشرفت

خود کشورهای جهان سوم عامل عقب افتادگی خود هستند.

یعنی غربی ها از عوامل عقب ماندگی کشورهای جهان سوم تبیین درون گرایانه دارند.

بر خلاف این عقبه گونددر فرانک از علل عدم توسعه کشورهای جهان سوم تبیین برون گرایانه دارد. **گونددر فرانک:** توسعه نیافتگی به جای اینکه وضعیت طبیعی باشد حاکی از موقعیتی مصنوعی است که تاریخ طولانی سلطه استعماری در کشورهای جهان سوم ایجاد کرده است. بنابر این گونددر فرانک برای اولین بار با ارائه تبیین برون گرایانه به تبیین دلایل وابستگی کشورها (جهان سوم می پردازد و این گونه تحلیل می کند که کشور های عقب افتاده نه به دلیل مسائل درونی خود بلکه به دلایل مسائل بیرونی که به آن ها تحمیل شده است دچار توسعه نیافتگی شده اند.

ج) دوس ساندوس: تعریف سنتی وابستگی

۳ شکل وابستگی از نظر (۱۹۶۰-۱۹۷۰) از دیدگاه سانتوس

۱- وابستگی استعماری ۲- وابستگی مالی - صنعتی ۳- وابستگی تکنولوژیک صنعتی

سانتوس: همانطور که نظریه ی امپریالیسم بر توسعه طلبی و سلطه قدرت های امپریالیستی تکیه دارد. مفهوم وابستگی نیز مشکلات اساسی و بنیانی رودر روی کشور های توسعه نیافته را مورد توجه قرار می دهند. رابطه میان ۲ یا تعداد بیشتری از کشور ها هنگامی به وابستگی تبدیل می شود که برخی از کشورها و (یعنی کشور های مسلط) بتوانند به طور خود جوش توسعه یابند. در حالی که کشور های دیگر (وابسته) این کار را تنها به عنوان بازتابی که آن توسعه به انجام برسانند.

نتیجه گیری سانتوس:

روابط میان کشور های مسلط و کشور های مسلط (مرکز) و کشور های وابسته (پیرامون) حالتی نابرابر دارد و توسعه کشور های مسلط به هزینه کشور های وابسته انجام می شود.

۱- وابستگی استعماری: از قرن ۱۲ و ۱۳ به شدت آن شد. در آمریکای لاتین جنوب شرقی آسیا و..... فعالیت می کردند.

بیشتر فعالیت های این حوزه به صورت برداشت از معادن (طلا و ...) و منابع انسانی (بهره داری) است.

۲- وابستگی مالی - صنعتی

از قرون ۱۶ میلادی تا پایان قرن ۱۹ یعنی ۱۸۰۰ میلادی شکلی جدید از وابستگی ایجاد شد.

در این دوره صادرات مواد خام از جمله ذغال سنگ و محصولات کشاورزی حائز اهمیت است.

وابستگی صنعتی (از ۱۹۴۵ جنگ جهانی دوم به بعد) به ویژه از دهه ۱۹۷۰ به بعد مطرح است. بعد از کمک های آمریکا به برخی کشور های اروپایی در قالب طرح مارشال. اروپایی ها طی ۲۵ سال (از ۱۹۷۵) رشد اقتصادی داشتند. که با توسعه صنعتی همراه بود. اما این کشورها را از نظر مالی به غرب وابسته کرد.

* وابستگی های جدید: وابستگی اطلاعاتی

وابستگی خدمات

پدیده های اصلی مکتب وابستگی (۵ مورد):

- ۱- وابستگی فرایندی عام است. عمومیت دارد.
- ۲- وابستگی به عنوان وضعیت خارجی قلم داد می شود.
- ۳- وابستگی به عنوان یک وضعیت اقتصادی است.
- ۴- وابستگی به عنوان بخشی که قطب بندی منطقه اقتصاد جهانی است.
- ۵- وابستگی و توسعه ۲ فرایند ناسازگارند

۹۳/۸/۱۱

عاشورا و تاسوعا - تعطیل

جلسه ششم ۹۳/۸/۱۸

- پذیره های اصلی مکتب وابستگی (۵ مورد)
- ایرادات و نارسایی های مکتب وابستگی
- ۳- چشم انداز نظام جهانی *The world system* - ۱۹۷۰

الف) زمینه تاریخی

ب) زمینه نظری

۱. ادبیات نئو مارکسیسم در زمینه توسعه شامل:

- مبادله نابرابر
- روابط استعماری پیرامون و مرکز
- روابط نابرابر بازارهای جهانی

۲. مکتب فرانسوی سالگشت:

- دوره های بلند مدت
- مرکز ثقل اقتصادی جهان

۳. روش شناسی - امانوئل والرشتاین:

➤ تحولات جهانی از سال ۱۹۵۴ به بعد از ۲ منظر قابل توجه است:

۱. اقتصاد جهانی از ۱۹۴۵ تا آن زمان (۱۹۷۰م) به اندازه ۱۵۰۰ م تا ۱۹۴۵ م رشد داشته است.

۲. قدرت سیاسی نیروهای مخالف.

➤ مرور و تشریح پذیره های اصلی مکتب وابستگی:

۱. **وابستگی فرآیندی عام است و عمومیت دارد.** یعنی در مورد همه کشورهای جهان سوم صادق است و به غرب وابسته شده اند.

۲. **وابستگی به عنوان وضعیت خارجی قلمداد می شود.** یعنی وابستگی وضعیتی است که از بیرون تحمیل شده است. بنابراین از این نظر مهم ترین موانع توسعه ملی فقدان سرمایه، نبود مهارت، یا نبود نهادهای دموکراتیک نیست بلکه بر عکس این موانع را باید در بیرون از حوزه اقتصاد ملی پیدا کرد.

۳. **وابستگی به عنوان یک پدیده اقتصادی سنجیده می شود.** بنابراین وابستگی یعنی نتیجه جریان انتقال مازاد اقتصادی از کشورهای جهان سوم به سمت کشورهای سرمایه داری جهان غرب. بنابراین کشورهای جهان سوم عموماً از افول رابطه اقتصادی و مبادله با کشورهای غربی آسیب می بینند و سود را کشورهایی می برند که کالاهای شان ارزش افزوده داشته باشد.

۴. **وابستگی به عنوان بخشی از قطب بندی منطقه اقتصادی جهان است.** کشورهای مرکز و پیرامون که مرکز نفع می برد و پیرامون ضرر.

از یک سو خروج مازاد از کشورهای جهان سوم موجب توسعه نیافتگی آن ها شده و از سوی دیگر همین انتقال به نفع جریان مخالف در غرب می باشد.

۵. **وابستگی و توسعه دو فرآیند متناقض هستند.** یعنی امکان توسعه در پیرامون معمولاً وجود ندارد. گرچه ممکن است گونه ای توسعه محدود در خلال دوره هایی نظیر دوره بحران جهانی یا جنگ یا شرایط اختصاصی در یک منطقه رخ دهد اما وقوع توسعه اصیل در پیرامون امری بسیار نامحتمل است.

➤ نارسایی ها و ایرادهای مکتب وابستگی:

هرچند نظریات وابستگی در مقایسه با نظریات مکتب نوسازی راه تازه ای برای مطالعه و بررسی فرآیند تحولات در جهان سوم می گشاید اما این نظریه یا نظریات خالی از ایراد نمی باشد.

برخی از این ایرادات عبارتند از:

۱. تأکید بیش از حد بر نیروهای خارجی و بهای اندک به ساخت داخلی کشورهای جهان سوم

۲. دوگانه نگری در تحلیل و تعمیم مبتنی بر تقسیم جهان به منطقه پیشرفته و عقب مانده.

منطق ارسطو ۲ سطحی است یعنی یک پدیده یا A می شود یا B و امکان ندارد هر کدام دیگری باشد. مکتب هگلی یا دیالکتیکی به جز A و B ، C را نیز تعریف می کند. یعنی یک پدیده اگر A یا B نباشد، آنگاه C است. در مقابل نگاه ارسطو و هگل، منطق فازی (*Fuzzy logic*) را پروفیسور عسکر لطفی ارائه می کند و می گوید بین صفر یا یک بی نهایت عدد وجود دارد. بر اساس این منطق، علوم مانند علوم کامپیوتری، هوش مصنوعی (*AI*)، علوم سایبرناتیکال و ... به وجود آمدند.

۳. به کارگیری ناصحیح و ابهام آمیز مفاهیم مارکسی.

۴. به کارگیری مفاهیم فرهنگی یک جامعه و تفهیم آن به جوامع دیگر.

۵. ارائه راه حل ها در سطح کلان (جزئی نگری ندارد).

۶. اصالت ندادن به ساخت درونی جهان سوم و ایجاد تغییرات از درون.

۷. عدم ارائه مکانیزم های عملی و اجرایی و تناقض در تعریف مفهوم توسعه و ارائه راه حل توسعه.

➤ مکتب سوم - چشم انداز نظام جهانی *The world system 1970*

الف) زمینه تاریخی:

۱. تبدیل شدن آمریکا به یک ابر قدرت پس از جنگ جهانی دوم و تلاش اندیشمندان علوم اجتماعی این کشور برای مطالعه مسائل توسعه در جهان سوم و پیدایش مکتب نوسازی در دهه ۱۹۵۰ و نهایتاً شکست آن (شکست مکتب نوسازی) و از دیگر سو شکست برنامه های نوسازی در آمریکای لاتین.

۲. به وجود آمدن مکتب نئومارکسیستی وابستگی در دهه ۱۹۶۰ و شکست آن.

۳. مسئله همزیستی تعارض آمیز این ۲ دیدگاه در حوزه مطالعات توسعه در دهه ۱۹۷۰.

۴. فروکش کردن بحث های توسعه جهان سوم و این که در چارچوب دیدگاه وابستگی نمی توان به تبیین بسیاری از فعالیت های جدید اقتصاد جهانی سرمایه داری پرداخت. (دنیا به نقش جدید نیاز دارد).

۵. آهنگ قابل توجه و قابل ملاحظه رشد کشورهای غرب آسیا (کره، ژاپن، مالزی و ... با رشد اقتصادی مثبت)

۶. اختلاف دول سوسیالیستی چین و شوروی و ایجاد رکود اقتصادی در دول سوسیالیستی و استقبال این ۲ کشور از ورود سرمایه خارجی (چین و شوروی ابتدا مخالف بودند)

۷. وجود بحران در نظام سرمایه داری به واسطه جنگ ویتنام همچنین بحران واترگیت و بحران نفتی سال ۱۹۷۰ (افزایش قیمت نفت) باعث شد که مکتب چشم انداز نظام جهانی روی کار بیاید.

البته در مکاتب نوسازی و وابستگی حرف از این است که دولت و ملت ها چطور می توانند توسعه پیدا کرده یا توسعه پیدا نکنند اما در بحث نظام جهانی صحبت روی توسعه جهان است.

➤ تعابیر از Globalization

- جهانی سازی ← ساختن ← سناریو پشت اش است.

- جهانی شدن ← فرآیند است (خودش اتفاق می افتد).

- البته نگاه سوم هم هست و آن این است که بخشی از **Globalization** به صورت فرآیند است و بخش دیگری از آن به صورت سناریو.

(ب) زمینه نظری:

- مبدع بحث نظام جهانی **امانوئل والرشتاین** است. او ابتدا ادبیات نئومارکسیسم شامل مبادله نابرابر، روابط استعماری پیرامون و مرکز و روابط نابرابر بازارهای جهانی را می پذیرد اما بعد انتقاداتی وارد می کند و به سراغ مکتب سالگشت می رود.

- مکتب فرانسوی **سالگشت** مربوط به **برنارد برادل** است. او رئیس مرکز مطالعات نظام های اقتصادی، تاریخی و تمدن هاست. این دفتر در دانشگاه بینگهامتون قرار دارد. نشریه "ریویو" توسط آن ها منتشر می شود. نگاه این گروه به دنیا، اقتصادی، تمدنی و ... است.

آن ها معتقدند که تنها از طریق دوره های بلندمدت می توان واقعیت کلی "تاریخ ژرف نگر" را در طول تاریخ آشکار ساخت. آن ها سؤالاتی دارند و آن این که چرا مرکز نقل مبادلات جهانی که در مدیترانه بود به شمال اقیانوس اطلس (در آمریکا) نقل مکان کرده است.

➤ نظریه پایان تاریخ فوکویاما می گوید حکومت های:

- کمونیسم

- فاشیسم

- پادشاهی

از بین می رود و نظام های دنیا به لیبرالیسم تبدیل می شود.

البته اتفاقاتی مانند رکود اقتصادی در آمریکا و ظهور حکومت هایی مانند چین باعث شد تا فوکویاما حرفش را پس بگیرد و عذرخواهی کند.

همچنین موضوع تروریسم نیز عامل دیگر بود. او سوال می کند که تروریسمی که آمریکا با آن مبارزه می کند در کجاست؟

➤ مکتب سالگشت می گوید تحولات جهان پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) تا آن زمان (۱۹۷۰) از دو منظر قابل بررسی است:

۱. اقتصاد جهانی در مدت ۲۵ سال رشد اقتصادی مطلق آن بیشتر از ۴ سده (یعنی از ۱۵۰۰ تا آن زمان) بوده است.
۲. قدرت سیاسی نیروهای مخالف (*opposing*) از سال ۱۹۴۵ به بعد تا حد شگفت آوری افزایش یافت به نحوی که کشورهای سوسیالیستی تأسیس شد، جنبش های آزادی بخش ملی در خیلی از کشورها به پیروزی رسیدند، احزاب و تشکل های سوسیال دموکرات کارگری نیز در غرب تأسیس شدند.

➤ یعنی هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اقتصادی در "جهان" اتفاقاتی می افتد که مسیر توسعه را تغییر می دهد.

ج) روش شناسی: امانوئل والری اشتاین :

والری اشتاین می گوید: نظام جهانی، نظریه نیست بلکه یک عصیان است. عصیانی که از زمان پیدایش علوم اجتماعی در اواخر قرن نوزدهم به همه ما تحمیل شده است.

➤ ۵ ناخشنودی مکتب نظام جهانی در حوزه علوم اجتماعی از فرآیندهای جهانی:

۱. ناخشنودی در برابر مفهوم رشته های علوم اجتماعی

۲. ناخشنودی در برابر واحد تحلیل

۳. ناخشنودی در قبال تعریف سرمایه داری

۴. ناخشنودی در باره اندیشه پیشرفت

۵. ناخشنودی در برابر تقسیم بندی جهان (نظام دو قطبی)

جلسه هفتم ۹۳/۸/۲۵

ادامه نظام جهانی : ۵ ناخشنودی دیدگاه نظام جهانی:

- مکتب نظام جهانی نوعی عصیان است و فقط تحلیل می کند. واحد تحلیل آن نیز دولت یا منطقه ای خاص است.

۱. والرشتاین سوال می کند که آیا رشته های علوم اجتماعی رشته های علمی اند؟ علمی یعنی قابل اندازه گیری باشد، تکرار پذیر باشد، تعمیم پذیر باشد و قابل پیش بینی باشد.

۲. ناخشنودی در برابر واحد تحلیل، نکته این است که وقتی می خواهیم پیشرفت جامعه را ببینیم باید پیشرفت دولت را بسنجیم یا مردم را.

- جامعه در قرن ۱۹ در مقابل مفهوم دولت قرار گرفت امان مواردی وجود دارد که میان جامعه و دولت نوعی آشتی وجود دارد. والرشتاین به دنبال این است که دولت و ملت کجا در کنار هم قرار می گیرند و کجا مقابل هم دیگر.

۳. ناخشنودی در برابر تعریف سرمایه گذاری: بیشتر سرمایه گذاری ها در حوزه صنعتی بود. یک زمانی هم زمین دارها سرمایه دارهای جامعه بودند. سرمایه داری در هر دوره ای به یک شکل بوده است.

۴. ناخشنودی در مورد اندیشه پیشرفت:

تئودور آدرنو: تاریخ و پیشرفت مساوی نیستند. این موضوع بر خلاف نظریه تکامل گرایی است که می گفت در هر دوره تاریخ که جلو برویم پیشرفته تر هستیم. نظریه تکامل گرایه نظریه خطی است اما بر اساس اظهار نظر آدرنو این نظریه خطی نیست.

۵. ناخشنودی در مورد کشورهای نیمه پیرامون: آهنگ رشد کشورهای شرق آسیا و آمریکای لاتین از جمله نمونه های رشد کشورهای نیمه پیرامون است.

ب) مکاتب توسعه در دهه های اخیر

۱. توسعه انسانی

۲. توسعه همه جانبه و پایدار

۳. توسعه دیگر *Another dev.*

۴. توسعه از دیدگاه پست مدرنیزم

۵. توسعه ملی

۶. توسعه در جامعه اطلاعاتی ۱۹۹۰

۷. توسعه هزاره

(۱) توسعه انسانی: در مکاتبی که تا کنون پرداختیم (نوسازی، وابستگی و نظام جهانی) نگاه به موضوع اصلی توسعه یعنی انسان کمتر است، اگر هم بوده نگاه کمی بوده و نه کیفی.

- از سال ۱۹۹۰ سازمان ملل گزارشی را به اسم گزارش جهانی توسعه انسانی را سالانه (*unndr*) منتشر می کند. این گزارش بر اساس ۶۰-۵۰ شاخص تعریف می شود که در ۵ حوزه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیک می باشد.

➤ در اولین گزارش جهانی توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ توسعه انسانی به عنوان «فرآیند بسط انتخاب های انسانی» تعریف شده است.

➤ توسعه انسانی فرآیند بسط انتخاب ها در بستر فضای اجتماعی «قابلیت زا» برای دستیابی به زندگی بهتر است.

- فضای قابلیت زا در گزارش سازمان ملل این گونه تعریف شده است:

فضای قابلیت زا برای توسعه شامل ۵ نهاد کلیدی یعنی :

۱. هویت فرهنگی

۲. حکومت قانون

۳. دموکراسی

۴. بازارهای رقابتی

۵. چتر حمایت اجتماعی

به عنوان عناصر اصلی فضای قابلیت را برای توسعه انسانی تعریف شده اند از دیگر سو «بسط انتخاب ها» در تعریف فوق مربوط به ۳ زمینه زیر است:

۱. آموزش

۲. درآمد

۳. بهداشت

➤ بازارهای رقابتی هم منفی هم مثبت، مدیرپروری و مدیریت صحیح منابع از جمله مزیت های رقابت پذیری است.

➤ چتر حمایت اجتماعی:

جلسه هشتم ۹۳/۹/۲

پروفسور آمارتیا سن: دست یابی به زندگی بهتر بیشتر از آنکه نیازمند مصرف بیشتر کالا و خدمات باشد، ثمره پرورش و بسط استعدادها و ظرفیت های انسانی است. بنابراین بسط ظرفیت های ذهن از طریق آموزش در کنار درآمد از عناصر اصلی توسعه انسانی به شمار می رود.

➤ این جمله در حقیقت مکتب نوسازی حرف روستو را که از مصرف انبوه کالا حرف زده بود را به چالش می کشد.

➤ ابهام: اگر مکاتب توسعه غرب هدفشان رفاه در زندگی انسان است، چرا در توسعه خود به آینده انسان توجه نمی کنند؟ آیا با نگاه مصرف انبوه می توان به نسل آینده هم ارزش گذاشت؟! (تعاریف انسان)

از طریق آموزش: انتقال مفاهیم و ارزش ها که همان توجه به حوزه ارتباطات در توسعه است.

➤ در فرآیند توسعه، ارتباطات به مشارکت مردم دامن می زند پس ارتباطات مقدمه توسعه است.

➤ بنابراین: توسعه مستلزم مشارکت است. مشارکت مستلزم وجود ارتباطات است. پس توسعه مستلزم وجود ارتباطات است.

➤ کشورهای توسعه یافته برای درگیر کردن مردم با توسعه برای آن پیام درست کردند و گفتند برای توسعه نباید خفت و باید تلاش کرد. مثل این شعار که «ایرانی، ایرانی بخر»

(ب) ۲ - توسعه پایدار یا همه جانبه *Sustainable*:

توجه به مسائل زیست محیطی در کنار توسعه که غالباً همراه با صنعتی شدن و تخریب منابع طبیعی و به کارگیری فناوری های نوین که خود فی نفسه ذاته برای طبیعت مضر هستند در دهه های گذشته بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

➤ توسعه پایدار را سازمان ملل مطرح می کند.

تعریف کمیسیون محیط زیست و توسعه پایدار از برآورده کردن احتیاجات و آرزوهای نسل کنونی، بدون مصالحه بر سر توانایی های نسل آینده برای برآورده کردن احتیاجاتشان.

➤ امروز نوع بشر با چالش های زیادی در برابر عین حیات خود مواجه است:

- نابودی جنگل ها
- تولید گاز کربنیک ناشی از سوخت های فسیلی
- گرم شدن آب و هوا و زمین
- آلودگی زمین، آب و هوا و لایه ازن
- ۸۸ درصد مساحت کشور ما فاقد ویژگی های محیط زیستی است.
- ایران یکی از فقیرترین کشورهای جهان در حوزه دارا بودن جنگل است.
- در طی ۳۰-۴۰ سال گذشته مساحت جنگل ها از حدود ۲۰ میلیون هکتار به نصف کاهش یافته و بیش از ۳۰ درصد اراضی کشور هم بیابان شده اند.

➤ تاریخچه طرح مبحث توسعه پایدار:

پس از توسعه صنعتی در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در اروپا ناهنجاری های زیست محیطی زیادی ایجاد شد، برای اولین بار در سال ۱۹۶۸ در پاریس توسط یونسکو کنفرانس بیوسفر برگزار شد. در همان سال کنفرانس در واشنگتن تحت عنوان جنبه های اکلوژیک توسعه برگزار شد. در ۱۹۷۲ در استکهلم کنفرانس "محیط انسانی" برگزار شد. همچنین کتابی توسط دنالامیروز به نام «محدودیت های رشد» نوشته شد. راشل کارسون در ۱۹۷۲ کتاب «بهار خاموش» را نوشت. در ۱۹۷۱ باری کامونز «بهار خفته» را نوشت.

اولین بار، «باربارا وارد» در اواسط دهه ۱۹۷۰ اصطلاح توسعه پایدار را به کار برد. اما در ۱۹۸۳ مجمع عمومی سازمان ملل کمیسیون را با عنوان «کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED)» را که متشکل از ۲۲ کشور دنیاست به ریاست برانت لند تشکیل داد.

ماموریت های این کمیسیون:

- خط مشی زیست محیطی دراز مدت جامعه بین الملل را روشن کند.
- مهم ترین مسائل مورد شناسایی و بحث این کمیسیون جمعیت و توسعه، امنیت غذایی، انرژی و صنعت، چالش های شهری و ...
 - انرژی و صنعت: آلودگی های صنعتی مانند گازهای گل خانه ای
 - چالش های شهری: بزه کاری، حاشیه نشینی
- در سال ۱۹۹۲ کنفرانس "ریو" با عنوان "اجلاس زمین" برگزار شد. ۱۷۲ کشور دنیا در آن حضور داشتند.
 - ویژگی های توسعه پایدار:
- ۳ پارامتر نسل کنونی، نسل آینده و کره زمین از جمله پارامترهای مشترک توسعه پایدار هستند.
- با عنایت به تعاریف متعدد توسعه پایدار، نکات و ویژگی های زیر را برای توسعه پایدار می توان برشمرد:
 ۱. توسعه پایدار یک فرآیند است. (فرآیند = آغاز، بدنه، پایان)
 ۲. توسعه پایدار مبنا و لازمه پیشرفت است. یعنی نیروی محرک توسعه.
 ۳. توسعه پایدار توسعه متوازن است یعنی متعادل کننده و هماهنگ کننده جنبه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی سیاسی جامعه است.
 ۴. توسعه ای است همه جانبه: یعنی تأمین کننده نیازهای نسل کنونی و نسل آینده
 ۵. توسعه ای است بدون تخریب و مخاطره.
- جمع بندی: در حال حاضر موضوع توسعه پایدار در دستور کار بسیاری از نهادها، سازمان ها و دولت ها قرار دارد و در کنفرانس ها، مقاله ها، کتب مختلف و ... تعاریف بسیار زیادی درباره آن ها ارائه می شود.
- کشور ما به واسطه مفاهیم فوق الذکر از این قانون مستثنی نیست.
- اصل مهم اعلامیه ریو حاکی از این است که انسان محور توجهات توسعه پایدار است و انسان ها مستحق یک زندگی سالم و مولد در همسازی با طبیعت هستند.

➤ مکتب توسعه دیگر: Another Dev.

- الگوی توسعه دیگر که در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد، الگویی است که کثرت گرا و دارای ماهیتی سلطه جویانه همانند مدل نوسازی نمی باشد (ضد سلطه جویی)

توسعه دیگر هم بر مسائل انسان تکیه دارد و هم بر مسائل اقتصادی، بدین صورت در توسعه دیگر توجه فزاینده ای به بهداشت، تغذیه، محیط زیست و در عین حال تغییرات ساختاری و از همه مهم تر دموکراسی مشارکتی می باشد.

- توسعه دیگر اساس توجه اش به *Basic Needs* یا نیازهای اساسی (نیازهای اولیه) است.

- در خصوص توسعه دیگر و مهم ترین خصیصه آن، توماس جاکوپسون می گوید: «توسعه دیگر نمایانگر دورانی است که در آن از ملت ها و یا مناطق حوزه آن ها انتظار می رود که اولویت ها، اهداف و معیارهای خود را ممکن است مختص شرایط خودشان باشد را خودشان تعیین کنند.» **این جمله به معنای تأکید بر درون زا بودن و توسعه بومی است.**

جلسه نهم ۹۳/۹/۹

غایب بودم

جلسه نهم ۹۳/۱۰/۱۷

- توسعه فرهنگی: بسیاری از مولفه ها و شاخص های توسعه فرهنگی و اجتماعی به هم شبیه است و از آن می گذریم.

- توسعه اقتصادی: رشد اقتصادی: زمانی به رشد اقتصادی می رسیم که زمینه توسعه اقتصادی فراهم باشد. توسعه اقتصادی یعنی تغییرات کیفی در ساختار یک جامعه و آن دسته از تغییراتی که بر تولید ناخالص ملی تأثیر گذارد و در نتیجه آن رشد اقتصادی حاصل شود.

* توسعه اقتصادی با جلوگیری از قاچاق بر توسعه سیاسی نیز اثر می گذارد

⇐ **نتیجه گیری توسعه ملی:** وقتی جامعه ای به توسعه ملی دست می یابد که به طور همزمان و دقیق و همه جانبه در همه زمینه های توسعه های جدی و عملی بردارد.

۶- ب) توسعه در جامعه اطلاعاتی:

فعالیت های برنامه توسعه در جامعه اطلاعاتی باید طی فعالیت های اطلاع رسانی عملی و **طی** شود. **از این رو** ضروری است که برنامه ریزان اطلاعات و توسعه براساس یک برنامه زمان بندی شده و هماهنگ عمل کنند. در کشورهای در حال توسعه بودجه بندی برنامه های توسعه و پراکندگی آن ها در سطح کشور دارای جنبه های متفاوت می باشد. در برخی کشورهای دارای درآمد نفتی شکل تأمین بودجه فعالیت های اطلاع رسانی کمتر رخ نمود می کند. اما در کشورهای در حال توسعه که در آمد نفتی و عمومی کم باشد، عملاً بیشتر مشکلات ناشی از ناصحیح بودن بودجه بندی و روند هزینه کردن آنها به خصوص در حوزه تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی می باشد.

جمع بندی ← برای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، آموزشی و پژوهشی یک اقلام ملی اطلاع رسانی بر اساس زیر ساخت های علمی مورد نیاز است در این باره عملکرد نظام **ملی اشاعه** اطلاعات به شرح زیر است:

- ۱- شمول بر سیاست و خط و مشی های ارتباطی که در ارتباط با بخش های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نیز زیر گروه های آنان را مشخص کند.
- ۲- فراهم کردن برنامه های خاص برای هدایت گردآوری آماده سازی و اشاعه اطلاعات در تمامی زمینه های فعالیت علمی در کشور.
- ۳- ایجاد سیستم ارزیابی برای تقویت اطلاع رسانی.
- ۴- بررسی برنامه های مناسب آموزشی و تربیت نیروی انسانی ضمن هماهنگی با سازمان های دولتی و خصوصی به منظور پویایی مراکز اطلاع رسانی.
- ۵- اقدامات لازم برای تصویب یک برنامه جامعه تجهیزات فناوری اطلاعات.
- ۶- تأمین شبکه اطلاع رسانی و مجموعه های اطلاعاتی در سازمان ها و موسسات دولتی و غیر دولتی در جهت حل مشکلات رو به رو.
- ۷- ب- اهداف توسعه هزاره

اهداف توسعه هزاره MDGs

رهبران کشورهای جهان در سال ۲۰۰۰ توافق کردند که در سال ۲۰۱۵ فقر و گرسنگی مفرط پایان یابد.

۱- از بین بردن فقر و گرسنگی شدید در سراسر جهان

۲- توجه به تحصیلات ابتدایی در سطوح جهان

۳- ارتقاء برابر جنسیتی و توانمندسازی زنان

۴- رشد سلامت زایمان

۵- کاهش مرگ و میر نوزادان

۶- مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر امراض اپیدمیک

۷- حصول اطمینان از حفظ محیط زیست

۸- ایجاد مشارکت جهانی در مباحث توسعه

جلسه آخر ۹۳/۹/۲۳

*** نظریه های ارتباطات و توسعه**

الف - نگرش علیتی: علی: رابطه علت و معلول

ب - سودگرا: هزینه فایده (علی)

ج - ساختارگرا: ارتباطات زیر ساخت و پیش شرط توسعه و رشد اقتصادی (علی، وحدت گرا)

د - الگوهای لیبرال - سرمایه داری: مکتب نوسازی

ه - الگوهای مارکسیستی: دولت، کمونیست مکتب وابستگی

و - الگوهای وحدت گرا و رهایی بخش: مکتب توسعه دیگر

الف - نگرش علیتی

* این نگرش معتقد است که ارتباطات علت و توسعه معلول آن است.

* ارتباطات شامل: موبایل، تلفن مواصلات، جاده ها، بنادر و

* البته گاهی علت و معلول جای شان عوض می شود.

* نوسازی هم الگوی لیبرالی - سرمایه داری است و هم این که از دیدگاه نگرش علیتی قابل تفسیر است در

بحث علیتی در نوسازی: ارتباطات علت

*نگرش علیتی یا علی مربوط به ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ است. بیشتر غرب مداراست و توسط آمریکا و برخی اندیشمندان اروپایی ولی عمدتاً آمریکایی دهه های ۵۰ و ۶۰ ابداع شد. این نظریه در پاسخ به این سوال است که کلام یک از ۲ مقوله (ارتباطات یا توسعه) سبب پیدایش دیگری می شود؟ آیا ارتباطات توسعه را سبب می شود یا توسعه باعث بوجود آمدن ارتباطات می شود. این اندیشه بر اساس باورهای اندیشمندان اقتصادی کلاسیک و تئوکلاسیک در ارتباطات به وجود آمده و ارتباطات را عامل ضروری توسعه اقتصادی و رشد می داند.

*اندیشمندان این حوزه: دنیل لرنر، اورت گیلن دیوید مک کلند و والتر دیلو روستو

* نظریه دانیل لرنر: انسان نوگرا (مدرنیسم) چنین مشخصاتی دارد:

۱- دارای طرز فکر و دید جهانی و نه محدود و محلی

۲- شهرنشین (شهروند ≠ روستایی)

۳- باسواد

۴- دارای قدرت انتقال و فکر

۵- مشارکت کننده

* فرمول لرنر:

روستا نشینی ← شهرنشینی ← نیاز به سواد ← نیاز به رسانه ← مشارکت سیاسی و اجتماعی

* کتاب لرنر (گذار از جامعه سنتی ۱۱۹۵۸)

-اورت راجرز الگوی لرنر را در کتاب، گذار از الگوی حاکم رد می کند. او معتقد است که فرآیند ارتباط ۲ مرحله ای است و رهبران فکری هم به این روند **کمک** می کنند و پذیرش آن چه رسانه ها منتشر می کنند، به رهبران فکری مرتبط است.

* اقتصاددانان کلاسیک و تئوکلاسیک زمینه ساز این نوع نگاه هستند. مثل آدام اسمیت.

-هم الگوهای مارکسیستی و همه الگوهای لیبرائی معتقدند که ارتباطات زمینه ساز توسعه است. با این تفاوت که رسانه و کمونیست ها در دست دولت هاست و دولتی است اما در نظام لیبرائی رسانه در اختیار بازار آزاد

است. پس وجه مشترک لیبرایی و مارکسیست این است که از رسانه استفاده می کنند و تفاوت شان هم این است که رسانه کمونیست ها دولتی است.

ب: سوداگر، هزینه - فایده

* اگر برای ارتباطات هزینه کنیم، آیا فایده ای بر آن مترتب است که فایده به دست دهد؟ آیا توسعه را سبب می شود؟

* در دهه ۱۹۷۰ اندونزی ماهواره سعی به نام *Pulapa* می سازد. با هزینه بسیار بالا در مقابل هندی ها روی ارتباطات بین فردی از طریق افراد مشعل نقل ها سرمایه گذاری کرد.

* نظریه اشاعه و نوآوری از راجرز معتقد است باید هزینه شود.

* نظریه دیگر نظریه تکنولوژی ها و انتقال است که از سرمایه گذاری روی ارتباطات دفاع می کند.

در مقابل نظریه انتقال تکنولوژی، نظریه ارزیابی تکنولوژی (*TA*) مطرح شد که می گوید واردات تکنولوژی هیچ کمکی به توسعه نمی کند. این نظریه این سؤال را مطرح می کند که آیا وارد کردن تکنولوژی ریشه در منافع ملی ما دارد یا نه؟

ج: نظریه ساختارگرا:

* این نظریه نیز معتقد به این است که ارتباطات باید باشد که توسعه باشد.

* گزارش کمیسیون مک براید به سازمان ملل و یونسکو از جمله زمینه های مهم این نظریه است. این گزارش از عمده ترین اسنادی است که به ارتباطات و توسعه از زاویه ساختاری نگاه می کند و معتقد است که برخی کشورهای خاص، توانسته اند از طریق مکانیزم باز و از طریق برنامه ریزی دولتی نرخ رشد ملی سطح زندگی مادی و آموزش خود را ارتقاء داده و در زمینه های فرهنگی و علمی و تکنولوژی به پیشرفت هایی نایل آیند.

این نظریه دارای متفکرین همچون هربرت شیلر، محقق ارتباطی انتقادگرای آمریکایی، آرمان ماتلار محقق ارتباطی انتقادگرای فرانسوی می باشند که مفاهیم سنتی حاکم بر ارتباطات را به چالش کشیده و در عین حال معتقدند که هدف عمده نظم جدید جهانی ارتباطات و اطلاعات باید ایجاد تعادل دوباره جریان بین المللی اطلاعات باشد و نه جریان یکسویه اطلاعات (جریان شمال به جنوب) به این ترتیب آن ها معتقدند که ارتباطات زیر ساخت ساز است اما نباید در اختیار غرب باشد.

* با الگوی لیبرایی و سرمایه داری مخالف است.

د- الگوی لیبرایی سرمایه داری: نوسازی

*این الگو همان مکتب نوسازی است.

*این الگو اعتقاد دارد که ارتباطات در ابتدا توسط و از طریق ایجاد شرایط اجتماعی جمعیتی و از طریق تغییر ویژگی های روانی و فردی باعث تغییرات ساختاری می شود. (این همان فرمول دانیل لرنراست).

*الگوی لیبرایی بر پایه نوگرایی و نظام های غربی بنا شده است و بر نقش نخبگان اقتصادی (سرمایه داران) در توسعه تأکید دارد. در عین حال توجه خاصی به علم و نوآوری دارد. این الگو از تفکرات فلسفی و سیاسی افرادی همچون آدام اسمیت، جان لاک، توماس هابز و ریکاردو مایه می گیرد. پس از این اقتصاد دانان کلاسیک افراد دیگری نیز مطرح هستند: دانیل لرنره دیوید رایزمن، هارولد لاسول، پل لازارسفلد، دبلیو پای، فرای و ولیر شرام هستند.

هـ الگوی مارکسیستی: مکتب وابستگی

*این نظریه معتقد است که ارتباطات بخش لاینفک کل نظریه های سیاسی و عقیدتی و جزو اصلی فرآیند توسعه است.

*به آن الگوی مارکسیستی - سوسیالیستی هم می گویند این الگو بر تحریک (motivation) سازماندهی و بسیج اعضای حزب و انتقاد از خود به عنوان نقش اولیه و اساسی مجاری ارتباطی می نگرد.

در کنار تأکید بر ارتباطات جمعی، بر ارتباط فردی ولی از طریق حزب سیاسی اعتقاد دارد. اما ارتباطات بین فردی باید تحت نظر حزب کمونیست باشد.

*کمونیست ها به جبر اقتصادی معتقدند. و همین هم تفاوت آن ها با الگوی لیبرایی است.

*کمونیست ها معتقدند که مشارکت سیاسی منجر به رشد و توسعه اقتصادی می شود.

*هم الگوهای مارکسیستی - سوسیالیستی و هم الگوی لیبرایی - سرمایه داری علی رغم اختلافات زیاد فلسفی، عقیدتی و... هر دو طرف داران نقش علیتی ارتباطات و توسعه می باشند.

و- الگوهای وحدت گرا و رهایی بخش:

*نظریه ای انسان گرا، انقلابی و معنویت گراست که بر کیفیت بیش از کمیت تأکید دارد برخلاف مدرنیته.

*نظر وحدت گرا ضد بلوک بندی شرقی و غربی است و به همین دلیل خود اتکا و درون زا است.

*هم بر ارتباطات بین فردی اعتقاد دارد و هم به ارتباطات درون فردی و معتقد به توجه به ارتباطات درون فردی است.

*علاوه بر مجاری ارتباطات سنتی بر تکنولوژی های نوین ارتباطی تأکید می کند. حامیان این الگو، توسعه سیاسی و نه توسعه اقتصادی را مهم ترین هدف توسعه می دانند و نه آن را نقص می کنند. این الگو به جای تأکید بر دولت - ملت بر جامعه تأکید می کند. به جای ناسیونالیسم به جهان گرایی تأکید می کند. و به جای تک گویی بر گفت و گو تأکید می کند.

۳ دیدگاه و یا نسل درخصوص رابطه نسبت بین ارتباطات و توسعه:

۱- دوران پیشاصنعتی: غذا، مسکن، بهداشت، چگونگی سرو سامان دادن به معیشت

نسل نخست: نسل نظریه های خوش بینانه

*خوش بینانه اند و معتقدند با اتخاذ یک سری روش ها می توان به توسعه رسید. مربوط به دوران پس از جنگ جهانی دوم اند و بر برون زا بودن توسعه تأکید دارند و بر فرآیند نوسازی تأکید می کنند.

۲- دوران صنعتی: احتیاجات اولین تقریباً حل شده، جامعه رفاه و به حداقل رسانیدن ثروتمندان و فقرا

نسل دوم: نظریه انتقادی

*در این دوره نسبت به نقش رسانه های در توسعه نگاه انتقادی وجود دارد و بیشتر اعتقاد به نقش رسانه ها در هوشیار سازی مردم دارند.

*بر درون زا بودن توسعه تأکید دارند.

۳- دوران پسا صنعتی (پسا مدرن): ارتقاء روابط و زندگی

نسل سوم: نظریه های ارتباطی با تکثر و تنوع

* با تکثر و تنوع همراه است.

* با گفتمان غالب (بالا به پائین - دستوری) مخالف است. مخالف گفتمان یکسویه است و به خلاف نسل های اول و دوم توسعه را هم افقی و همه خود جوش (از پائین به بالا) از سرهوشیاری می داند.

* دوران توسعه را می توان به ۳ دوره تقسیم کرد:

۱-پیشا صنعتی: تولید که است دغدغه اصلی مردم چگونگی سر و سامان دادن به معیشت غذا، مسکن،

بهداشت و ... است.

۲-دوران صنعتی: با تولید انبوه، تقریباً احتیاجات اولیه برطرف می شود و جامعه به رفاه نسبی می رسد، در دوران صنعتی دولت ها به فکر کاهش تعداد ثروتمندان و فقرا باشد.

۳-دوران پسا صنعتی: مشکلات دوران پیشا صنعتی و صنعتی نیست بلکه بشر وارد دورانی شده که می خواهد روحیه اش را ارتقاء دهد و از زندگی لذت ببرد.

پایان درس

امتحان از ۶ سوال امتحان

۳ سوال متعارف است (نام ببرید و ...) عهده های ۱ نام ببرید.

۳ سوال دیگر تشریحی مقایسه ای، تحلیل از یک مفهوم مثلاً توسعه در دوران پست مدرن را ارزیابی کنید.